

برای هر مشکل راه حلی الهی وجود دارد

www.ketab.ir

وین دایر

مترجم: فرانک صادقزاده پیشجاری

ویراستار: نیلوفر رجبزاده

سرشناسه: دایر، وین دیلو، ۱۹۴۰ - ۲۰۱۵ م.

Dyer, Wayne W

عنوان و نام پدیدآور: برای هر مشکلی راه حلی الهی وجود دارد/ وین دایر؛ مترجم: فرانک صادق زاده پیشجاری؛ ویراستار: نیلوفر رجب زاده.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات حسن یوسف، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۲۶ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۵۱۷-۰-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: There's a spiritual solution to every prob-

lem, ۲۰۰۹.

یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان "برای هر مشکلی راه

حلی معنوی وجود دارد" توسط انتشارات نسل نوآندیش در سال

۱۳۸۳ منتشر شده است.

عنوان دیگر: برای هر مشکلی راه حلی معنوی وجود دارد.

موضوع: زندگی معنوی

موضوع: Spiritual life

موضوع: حل مساله — جنبه‌های مذهبی

موضوع: Problem solving — Religious aspects

شناسه افزوده: صادق زاده، فرانک، ۱۳۵۵-، مترجم

رده بندی کنگره: BL۶۲۴

رده بندی دیویی: ۲۰۴

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۰۷۰۹۲

نام کتاب: برای هر مشکل راه حلی الهی وجود دارد

نویسنده: وین دایر

مترجم: فرانک صادق زاده پیشجاری

ویراستار: نیلوفر رجب زاده

ناشر: حسن یوسف

تاریخ نشر: ۱۴۰۰

نوبت چاپ: اول

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۵۱۷-۰-۸

چاپ و صحافی: طرح و نقش

شمارگان: ۱۰۰۰

فهرست مطالب

پیشگفتار

مقدمه

فصل اول:

اصول اساسی در راه حل الهی مشکلات

۱. حل کردن الهی مشکلات

۲. ایده ها و عقاید اصولی قدیمی

۳. همه چیز در دنیا ناشی از انرژی است

۴. از انرژی دادن به چیزهایی که به آنها باور ندارید دست بردارید.

۵. انرژی خود را آلوده نکنید.

۶. انرژی و نیروی الهی خود را حفظ و تقویت کنید.

فصل دوم:

به کار گرفتن راه حل الهی مشکلات در زندگی

۷. خداوندا، من را وسیله ای برای نشر آرامش خودت قرار بده.

۸. جایی که کینه و دشمنی هست، بگذار من بذر عشق و دوستی بکارم.

۹. در جایی که آسیب رسیده، بخشش و گذشت بکارم.

۱۰. جایی که شک و تردید هست، عقیده و ایمان بیاورم.

۱۱. جایی که ناامیدی هست، امید و آرزو پخش کنم.

۱۲. جایی که تاریکی فراگرفته را غرق در نور و روشنایی کنم.

پیشگفتار

نوشتن اولیه این کتاب که در هام روئن سال ۲۰۰۰ در خانه مان در مائوئی^۱ کامل شد، حس شگفت انگیزی از موفقیت را برای من به همراه داشت. تابستان آن سال با لذت بردن در کنار خانواده و کارهایی مثل شنا و پیاده روی و بازی تنیس یا دوره‌های و تماشای فیلم با دوستان نزدیک گذشت. در آن میان وقت آزاد و بالارزشی برای مطالعه و سپری کردن با همسر^۲ "مارسلین" داشتم که کمک بزرگی برای پیدا کردن یک راه حل برای مشکلی که به زودی تجربه می کردم بود. هرگز نمی دانستم که در چند ماه آینده من را برای به کار گرفتن نوشته هایم فرا میخوانند، تا آن اصول پیشنهادی را برای حل مشکلات دسته اول زندگی خودم به کار بیندم.

پاییز سال ۲۰۰۰ در حالیکه در اتاق یک هتل تنها بودم، احساس می کردم از پای درآمدن ام. نمی توانستم نفس بکشم، انگار قفسه سینه ام را فشار می دادند. به شدت عرق کرده بودم و به زودی فهمیدم که دچار حمله قلبی شدم. ولی به چیز با این وضعیت جور نبود. من نه اهل سیگار و

۳ . Maui . جزو جزایز هاوایی

۴ . Marcelene

مشرروب هستم و نه وزن بالائی دارم. نزدیک به ۲۵ سال است که هرروز ورزش می کنم. حواسم به خورد و خوراکم هست. اهل فکر و عبادتم. فقط آنچه دوست دارم را انجام میدهم و هر آنچه انجام میدهم را دوست دارم. ازدواج خوب و فرزندان فوق العاده ای دارم. حمله قلبی به سراغ من نمی آید!! بلکه برای افراد دیگری است که با نحوه زندگیشان آن را به سمت خود دعوت می کنند. من، نه "دکتر وین دایر". این فکرها در حالی بود که من در بیمارستان، زیر سرم و متصل به دستگاه بودم و به فاصله سه روز باید آنژیو می شدم. روز اول غرق در حالتی از شوک و ناباوری و انکار بودم. به حال خودم تأسف می خوردم. نمی توانستم بپذیرم که چنین چیزی می تواند برای من اتفاق بیفتد. دائماً در حضور خانواده ام ناله می کردم و صادقانه بگویم ترسیده بودم.

از روز بعد شروع کردم به آزمون مجدد نوشته های خود یعنی آنچه قرار است شما در این کتاب بخوانید. همواره این "عنوان" را به خودم یادآوری می کردم، که "برای حل هر مشکلی الهام و نیرویی از سوی خدا هست". پس حتماً برای این مشکل هم هست. به یاد دارم که می توانستم انرژی و حضوری معنوی را در اتاق بیمارستان حس کنم. با اینکه می توانستم به جای غوطه خوردن در حس های بدی مثل تأسف و جراحت، غم و ترس و ناباوری آنها را از خودم دور کنم. حقایق همان ها بودند، تنها قلب من بود که صدمه دیده بود و درست کردن آن با من بود. من تنها این جسم نیستم، من وجودی هستم روحانی و جاودانی که همیشه متصل به خداست.

من می توانستم آگاهانه جای خود را به عنوان قربانی با شاهد ماجرا عوض کنم. چیزی که در طول بیست سال گذشته در مورد آن نوشته ام. مثل نوری که به اتاقی تاریک وارد میشد، حضور یک انرژی برتر، سریع تر و شفافتر را حس کردم. تصمیم گرفتم به جای کج خلقی، شادتر باشم. گاهی به قسمتهای دیگر بخش قلب برای روحیه دادن به بیمارانی که از من حال بدتری داشتند سر می

Angiography پرتونگاری از رگهای خونی قلب به وسیله تزریق ماده رنگی به رگها .

زدم. سعی میکردم نگاه من به بیمارستان و کادر درمانی آن بیشتر با چشم تحسین وعلاقه و احترام باشد تا از روی حس ترس و اضطراب. بهترین و تنها کاری که میتوانستم در آن مکان انجام بدهم، قدردانی بود برای همه آنچه شاهدش بودم. حتی در حالی که من را به بخش آنژیو می برند و کاتتر را وارد پای من می کردند تا به رگهای قلب من برسد، قلبم در آرامش بود. دائماً با پرستارها و متخصصین بخش شوخی می کردم و در حالیکه دست همسرم را می فشردم به او می گفتم که دوستش دارم. تمام ترس ها و نگرانی ها، ناباوری و تاریکی ها من را ترک کردند. خوب می دانستم که نتیجه هر چه باشد من در آرامش و متصل به روحی بزرگ و در بین دستان خدا هستم.

تصمیم گرفتم این اطلاعات را در آغاز این کتاب با شما به اشتراک بگذارم. و توضیح دهم، چطور یک "مشکل" به ظاهر برطرف نشدنی، یک راه حل الهی و دست یافتنی دارد، وقتی کسی به جای تمرکز به "مشکل" به نیروی الهی متمرکز می شود. من میتوانستم این نیروی برتر و سریع تر الهی را جذب کنم به این معنی که:

۱. من تقریباً "مشکل" را به یک نیروی بالاتر واگذار کردم. ۲. همه جا به جای ترس، عشق می دیدم. ۳. به خودم یادآوری کردم که من یک روح جاودانی در یک کالبد دنیایی و زودگذر هستم.
۴. ذهنم را با خالی کردن افکار منفی آرام کردم. ۵. از تمام کسانی که برای آوردن چنین نیروی شفابخشی برای من تلاش می کردند قدردانی کردم. ۶. در ذهنم دائماً با خدا در ارتباط بودم. ۷. سعی می کردم با خوشحال کردن اطرافیان، تمرکز افراطی ذهنم بر خودم را از بین ببرم. و همین نتیجه داد! و در نهایت نامه ای زیبا از همسر پزشک متخصصم "توماس بارتزوکیس" دریافت کردم که روشن می کند چطور همه چیز و همگان از حضور نیرویی معنوی بهره می برند. پگی بارتزوکیس^۶

می نویسد: _____

Thomas Bartzokis ۶

Pegi Bartzokis ۷

"حس می کنم ظاهر شدن شما در زندگی ما (من و تام) دلیلی داشت. این واقعیت که شما به جای متخصص دیگری به تام مراجعه کردید درست زمانی که من احتیاج به خواندن نوشته های شما و تام نیاز به فراگرفتن نحوه کمک به بیماران خود را داشت، من را مبهور کرده است. نوشته های شما من را در مسیر جدیدی قرار داد و من برای التیام دردهای خودم سخت تلاش میکنم. سلامتی من به سرایشی ماریجی افتاده بود و هرگز نمی دانستم که مشکل از فکر من است. از شما بابت باز کردن دریچه چشمانم بر اهمیت ارتباط ذهن و جسم، سپاسگزارم.

حرفهای شما خواه، ناخواه از طریق من به گوش تام هم می رسد و خوشبختانه این ایده ها را بسیار جذاب می داند. بسیار خوشحالم چون او با دهها هزار بیمار در ارتباط است و اگر بتواند این ایده ها را با آنها به اشتراک بگذارد، شاید بتواند از تارسائی های قلبی افراد یا بیماریهای دیگر در آینده جلوگیری کند. در ضمن بسیار تشکرگزارم که شما سلامتی کامل خود را کسب کردید و به جریان زندگی برگشتید. شاید قرار بود همه ما از این اتفاق درسی بگیریم. همان طور که شما گفته اید "هر ملاقاتی در زندگی ما را نیروی مقدسی هماهنگ کرده و تمام غریبه هایی که به سمت ما می آیند، چیزی برای یاد دادن به ما دارند".

نمی توانم بگویم چقدر آشنایی با شما و همسران شاکر و قدردان هستم. همیشه برای هر دوی شما دعا می کنم. خدا به شما و کارهای خیرتان برکت بدهد."

آن نوشته ها اینجاست. من آنها را برای همه اینجا می نویسم. همه آنها برای شما به ترتیب شده اند و راه حلی الهی منتظر شماست برای هر آنچه شما "مشکل" تلقی می کنید. به من اعتماد کنید. من "وین دایر" با تجربه مستقیم به آنها پی بردم.